

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

بدين يوم وبر زنده يك تن مبار
از آن به که کشور به دشمن دهيم

چو کشور نباشد تن من مبار
همه سر به سرتون به کشتني دهيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ابسي - فرهنگي

ال حاج خليل الله ناظم باخترى

همبورگ - جرمى

ششم اكتوبر ٢٠١٠

مزده بچاپ رسيدن كتاب

"فریاد اسیر"

ز شعرو شاعرى و از حقیقت
به سوز و ماتم هایل و ازغم
بجا ماندند از خود یادگاری
سراسر بوده اند آگاه و دانا
ندیم، مستغنى و قصاب و بسمل
قیام الدین خادم، گل پاچا^۱
یکایک بوده اند چون دُر و گوهر
دُر و مروارید و یاقوت، کمیاب
خلیل و قُربت و آقای دهقان
ضیا و شایق و بینا و خسته
رسیدند تابه اوچ کامیابی^۲
همیشه زنده اند و جلاودانی
که هستند صاحب آثار و ایجاد
چرا که نام شان پاینده باشد
بمانند اسیر و یا که و اصف
که برپا میکند شعر ش قیامت^۳
غذیمت بزرگ استند و اکسیر^۴

مُطلع باشد ارباب بصیرت
اولین شاعر شعر است آدم
شُعّrai شهير و نامداری
سنائی و عطار و مولانا
چو سعدی، حافظ و اقبال و بیدل
خوشحال خان ختك، رحمان بابا
ملنگ جان و بهائی جان یکسر
خلیلی، قاری و استاد بیتاب
علامه بلخی آن مرد درخشنان
صفا و عاجز و مژده و رشته
نوید و هم نیاز و هم نوابی
حیا و عشقی، شیدا و فانی
ز محظیه و مخفی می شود یاد
زن و مرد سخنور زنده باشد
شُعّrai معاصر همچو هاتف
نگارگر و سدو زائی و نعمت
وجودی و کبیر آهنگ و شبگیر

که شعرش عالی است و است اسنا ده
که شعر شان بود بزمی و رزمی
ترانه سر گند شام و پگائی
یکایک شعرشان پر آب وتاب است
شعرای عزیز و فوق العاده
یکی عالی و دیگر است اعلا
زلال و شاعران خوش گفتار
که شعرش پخته می باشد سرا پا
که نقش نام شان شد جاودانه^۶
که اخلاصم به ایشان بیش باشد^۷
نیاز ماهرخ است و یا دیانا^۸
یکی دُر و دگر گوهر نشان است^۹
فخیم شاعران عصر و دوران
نسیم نوبهاران و وسیم است
که همتائی ندارد در زمانه
اشاعه کشته و گردیده کامل
نديده هیچ کس در روی دنیا
ز انسان شریف و از اصالت
زعشق و از حقیقتهای دوران
ز اینای زمان و آدمیت
به راه معرفت پرتو فشانها
برای زندگانی هست و بود است

اگر { ناظم } کتابش را بخوانی

هر آنچه در جهان باشد بدانی

اکل پاچا الفت^۲ محمد ایوب نیاز^۳ شعر رزمی مختار زاده طوفان برپا میکند
۴ مقصد از هردو شبگیر، عبدالجلیل شبگیر پولادیان و عبدالحی شبگیر است
۵ حقا که شعر استاد کهزادعالی است^۶ ظاهر عزیز، تیمورشاه تیموری
۷ جوهر صدیقی و درویش برادر زاده شان^۸ لیلا تیموری^۹ صاعقه هروی،
مستوره جان هاشمی

سهیلی، جاحد و یوسف، کهزاد
توگل، رهبر توخی و عزمی
حبیب همنوا و جغتائی
وهاج، معروفی و دیگر شباب است
پناه و قاصد و مؤمن زاده
برادران زرگر پرپور یکجا
للندری، وثوق، مصلح و فریار
جناب کاظمی محمد آقا
عزیز و تیموری و فرزانه
یکی جوهر دگر درویش باشد
بهار سعید الحان است و لیلا
اگر صاعقه و مستوره جان است
به اطلاع می رسد ای دوستداران
"محمد" نام دارد و "نسیم" است
"اسیر" مابه قول شاعرانه
کتاب دلکش آن مرد عامل
اسیر قفس و نظم دل آرا
ز او صاف خدا و از عدالت
ز ظلم ظالمان خانه ویران
ز علم منطق و اخلاق و حکمت
ز اوضاع زمین و آسمانها
چراغی روشن است و رهنمود است

اگر { ناظم }

هر آنچه در جهان باشد بدانی